

کشف خلاف واقع در ازدواج

محمد اسحاقی^{*}، زهرا غلامی^{**}

چکیده

عقد ازدواج همانند هر قراردادی شرایطی دارد که طرفین بر وجود و رعایت آنها توافق می‌کنند. عقد ازدواج بیش از هر پیمانی بر صداقت استوار است. باین‌حال بعد از وقوع عقد در برخی موارد مشاهده می‌شود، برخلاف توافقات انجام‌شده، خلاف آن کشف می‌شود. کشف خلاف واقع در عقد ازدواج، احکامی دارد که شناخت آنها برای زوجین و نظام تقنینی و قضایی بسیار مهم است. روش پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی و استنباطی است. گردآوری مطالب به شیوه‌ی کتابخانه‌ای است. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان داد، کشف خلاف واقع بعد از وقوع عقد، حسب مورد آثار و احکام گسترده‌ای چون بطلان، بطلان عقد به همراه حرمت ازدواج بعدی (ابد یا موقت)، فسخ عقد ازدواج، اجبار به انجام دادن تعهد، ادامه‌ی زندگی، تفکیک اقامتگاه، جبران خسارت، تقاضای زوجه برای طلاق، عدم نفوذ عقد، حق ابطال نکاح، مجازات، اجرای حدود الهی و ممنوعیت ادامه‌ی اشتغال را در پی دارد.

واژگان کلیدی

ازدواج، بطلان، حرمت ازدواج، خلاف واقع، مجازات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (m.eshaghi.a@ut.ac.ir).
**. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران (Gholami1345@gmail.com).
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه، افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای رفع نیازها و انجام دادن امور خود انواع پیمان‌ها و قراردادهای را منعقد می‌کنند. این پیمان‌ها و قراردادهای حسب مورد بر اهداف و شرایطی مبتنی است که طرفین بر وجود و رعایت آنها توافق می‌کنند و کشف خلاف آن، آثار و پیامدهای حقوقی و کیفری به دنبال خواهد داشت. یکی از انواع قراردادهای شایع و جاری در جوامع انسانی، پیمان و عقد ازدواج بین انسان‌هاست که فراتر از همه‌ی قراردادهای، این پیمان آسمانی است.

ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه‌ی روابط پایای جنسی موجب می‌شود و مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که موجب مشروعیت روابط جسمانی می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴). ازدواج با توجه به نزول ادیان مختلف در ادوار متفاوت زندگی بشری تحت تأثیر قواعد و احکامی که از جانب خداوند نازل شده قرار گرفته است. در شریعت اسلام نیز شرایط خاصی برای انشا عقد نکاح در نظر گرفته شده است (نصرتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۰). خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۱ سوره‌ی مبارک روم، از ازدواج به آیت و نشانه‌ی الهی یاد می‌کند: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون». به همین خاطر مقدس‌ترین پیمان و قرارداد، پیمان و قرارداد ازدواج است که در چهارچوب آموزه‌های وحیانی و تعالیم معصومین - علیهم‌السلام - شرایط و ویژگی‌های خاصی برای تشکیل، تحکیم و تعالی آن تعیین شده است که رعایت آن‌ها ضامن بقا و پایداری و استحکام بنا و پیمان خواهد شد. به علاوه، در چهارچوب اصل آزادی قراردادهای و رعایت اخلاق حسنه و نظم عمومی، طرفین هر قراردادی از جمله ازدواج می‌توانند بر شرایط و ویژگی‌هایی توافق و عقد ازدواج را بر وجود و رعایت آنها استوار و مشروط کنند. از سوی دیگر، در برخی مواقع طرفین بر پیمان خود استوار نبوده و برخلاف واقع، وجود شرایطی را ادعا می‌کنند که پس از مدتی خلاف آن کشف می‌شود. در این میان، شرع و قانون از یک‌طرف، ضمانت‌ها و احکامی را برای انجام تعهدات طرفین و احراز وجود شرایط در نظر گرفته است و از سوی دیگر، رعایت نکردن شرایط عقد و پیمان و کشف خلاف واقع موجب مسئولیت حقوقی و کیفری می‌شود. امروزه، به دلایل مختلف همچون ناآگاهی به احکام و قوانین ازدواج، پای‌بند نبودن به اخلاقیات، نداشتن صداقت، کوتاهی و اهمال زوجین و خانواده‌ها برای تحقیق و راستی‌آزمایی ادعاهای مطرح‌شده هنگام ازدواج و رسیدن به واقع، اعتماد بدون دلیل، ایجاد و بهره‌گیری نامطلوب از رسانه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی و موارد دیگر، وقوع امور خلاف واقع در عقد ازدواج و کشف آنها بیشتر از گذشته محقق می‌شود. بدیهی است، کشف امور خلاف واقع در امر ازدواج علاوه بر آثار و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، احکام و آثار

فقهی - حقوقی نیز دربردارد که شناخت آنها از اهمیت زیادی برای پیشگیری و چگونگی مواجهه و مدیریت با نقض پیمان و عقد ازدواج دارد. شناخت، ساماندهی و طبقه‌بندی احکام خلاف واقع ازدواج، کمک به جوانان در انعقاد آگاهانه‌ی عقد ازدواج و استحکام بنای خانواده، پیشگیری از وقوع خلاف واقع در ازدواج و پیامدهای گسترده‌ی آن، کمک به نظام تقنینی و قضایی برای تدوین قوانین مؤثر پیشگیرانه و کاهش دعاوی خانواده به‌ویژه دادخواست طلاق و جدایی و آسیب‌های بعدی آن از اهداف این تحقیق به شمار می‌رود. این پژوهش - که از نوع بنیادی و کاربردی است و اطلاعات آن با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و تحلیل و بررسی می‌شود - در پی پاسخ به این سؤال است که وقوع امور خلاف واقع و کشف آنها در امر ازدواج چه آثار، احکام و پیامدهای فقهی و حقوقی در پی دارد؟ در این پژوهش، تعاریف عملیاتی زیر از واژه‌های «کشف و خلاف واقع» موردنظر است:

الف - کشف: یعنی آشکار کردن و معلوم کردن آگاهانه و اختیاری و مراد از «انکشاف» خودبه‌خود آشکار شدن و معلوم شدن بدون انتخاب و اختیار شخصی و به‌صورت اتفاقی است. مواردی که روشن شدن حقیقت و باطن آن، منشأ اثر فقهی - حقوقی است و اصل عقد ازدواج بین مرد و زن یا ادامه‌ی آن را دستخوش تغییر قرار می‌دهد.

ب - خلاف واقع: یعنی آنچه خلاف نظر و مقصود و مطلوب و مورد توافق زوجین است و مواردی همچون خلاف مقصود و مطلوب زوجین از ویژگی‌های صوری، ظاهری، شروط زوجین احکام ازدواج و قوانین و مقررات موضوعه‌ی ازدواج را در برمی‌گیرد.

۲- احکام کشف خلاف واقع

خلاف واقع ممکن است قبل، حین و بعد از عقد ازدواج کشف شود. در دو صورت اول، چون عقدی منعقد نشده است، کشف خلاف، آثار و احکام اندکی همچون جبران خسارت و پیگیری کیفری به خاطر فریب و تدلیس را به دنبال دارد که موضوع این نوشتار نیست، ولی کشف خلاف واقع بعد از وقوع عقد، آثار و احکام گسترده‌ای دارد که موضوع این پژوهش است. در صورت کشف خلاف واقع، افراد ذی‌صلاح و ذی‌نفع می‌توانند، ضمن طرح دعوا و اقامه‌ی دادخواست و ارائه‌ی ادله، وفق قوانین و مقررات صدور حکم بطلان نکاح و اعلام آن را تقاضا کنند. افراد ذی‌نفع و ذی‌صلاح حسب مورد عبارتند از: هر یک از زوجین؛ اقربا و خویشاوندان زوج یا زوجه‌ی متوفی برای محروم کردن همسر متوفی از ارث (مادی)؛ طلبکار هر یک از زوج و زوجه؛ شوهر سابق زوجه‌ای که قبل از اجرای طلاق به ازدواج مردی درآمده است یا زن متقدم زوج که باوجود علقه‌ی زوجیت، شوهرش همسر دیگری اختیار کرده است؛ و همچنین دادستان حق رجوع به حاکم برای اعلام بطلان نکاح را دارند.

این احکام عبارت‌اند از: بطلان، بطلان عقد و حرمت ازدواج بعدی (ابد یا موقت)، فسخ عقد ازدواج، اجبار به انجام تعهد، ادامه‌ی زندگی، تفکیک اقامتگاه، جبران خسارت، تقاضای زوجه برای طلاق، عدم نفوذ عقد، حق ابطال نکاح، مجازات (حبس، جریمه‌ی نقدی، شلاق، اعدام)، اجرای حدود الهی، ممنوعیت ادامه‌ی اشتغال. در ادامه به ترتیب به هر یک از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱- بطلان ازدواج

بطلان در لغت به «خلاف و نقیض حق» معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۴۳۲) و در اصطلاح فقه و حقوق، بطلان در مقابل صحت است و موجب از بین رفتن اصل عقد و احکام و آثار مترتب بر عقد می‌شود. به عبارت دیگر آن دسته از اعمال حقوقی مغایر با شرع و قانون که اثر و اعتبار شرعی و قانونی ندارد، باطل شمرده می‌شود. در این معنا، بطلان شامل عقد فاسد و عقد باطل می‌شود. عقد فاسد عقدی است که از اساس غیرقانونی و نامشروع باشد و از ابتدا شرایط صحت را نداشته باشد؛ همانند ازدواج با محارم. عقد باطل عقدی است که به علت امر عارضی، اعتبار شرعی و قانونی خود را از دست داده باشد.

عقد ازدواج به دلایلی چون امری بودن احکام، موافقت با نظم اجتماعی و اخلاق حسنه در صورت بطلان، تمام احکام و آثار خود را از دست نمی‌دهد، بلکه در مواردی آثار ماندگاری بر جای می‌گذارد. انتساب فرزند به زوجین (مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۷ ق.م)، مسترد نشدن نفقه‌ی دوران قبل از کشف خلاف واقع در صورت تمکین زوجه، تعلق مهرالمثل به زن در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع آمیزش (ماده ۱۰۹۸ و مواد ۸۷۵ تا ۸۸۵ مربوط به ارث و ...) از احکام و آثار ماندگار بطلان ازدواج است.

کشف خلاف در مواردی به بطلان عقد ازدواج - که خارج از اختیار زوجین و خانواده‌ها است - منجر می‌شود. نبود شرایط ایجادیه نکاح و به عبارت دیگر، نبود شروط صحت عقد ازدواج موجب ابطال عقد نکاح می‌شود. این حکم در مواد (۱۰۶۲) تا (۱۰۷۰) قانون مدنی منعکس شده است. در نکاح دائم و موقت کشف نبود شرایط عامه‌ی (بلوغ، عقل و اختیار) عاقد موجب بطلان عقد ازدواج می‌شود. همچنین تعیین زوجین از شرایط صحت عقد است؛ بنابراین اگر هویت زوجین هنگام ازدواج، به هر دلیلی مشخص نشود، عقد ازدواج به دلیل مطابق نبودن اراده‌ی حقیقی با آنچه واقع شده است و از بین رفتن توافق اراده، باطل و بی‌اثر خواهد بود.

مواردی که در ادامه می‌آید، از جمله مواردی است که در صورت کشف، به خاطر نبود شرایط صحت موجب بطلان عقد ازدواج خواهد شد؛ نبود اظهار اراده که با ایجاب و قبول محقق می‌شود؛

اثبات مطابق نبودن اراده‌ی باطنی و ظاهری مثلاً ازدواج صوری به دلایلی چون استفاده از امتیازات تأهل در خدمت سربازی؛ تابعیت کشور بیگانه؛ به دست آوردن بورس تحصیلی و غیره؛ نبود توالی عرفی ایجاب و قبول؛ وجود شرط خیار در نکاح دائم؛ فقد قصد زوجین در انعقاد عقد ازدواج مثلاً در حال مستی یا از روی شوخی یا خواب مغناطیسی؛ نبود تغایر جنسی (با فرض تغییر جنسیت در افراد سالم که با صرف هزینه‌های بسیار، تحمل درد و مشقت زیاد و پذیرش تبعات آن به این کار اقدام می‌کنند؛ یا معرفی شخص خنثی به عنوان مرد یا زن یا سایر فروض) از شرایط بدیهی فقهی-حقوقی عقد نکاح در ابتدا و ادامه‌ی زندگی است و علاوه بر بطلان - اگر در شناسنامه‌ی طرفین ثبت شده باشد - برای ابطال آن و سند نکاح و اصلاح شناسنامه باید به دادگاه مراجعه شود. عدم تنجیز عقد ازدواج و تعلیق در عقد نکاح به دلیل اهمیت، ثبات و استحکام نهاد خانواده و نبود تناسب و سازگاری ابهام، تزلزل و تعلیق با اهداف و کارکردهای آن باوجود پذیرش قانونی کلیت تعلیق در عقود نکاح را از صحت خارج می‌کند. ازدواج دائم و ازدواج موقت هر یک شروط اختصاصی دارد و نبود شروط اختصاصی نیز بطلان را ایجاد می‌کند؛ برای مثال آشکار شدن خلاف واقع، تعیین نکردن مدت در ازدواج موقت (ماده ۱۰۷۶ ق.م.) یا تعیین نکردن مهریه در آن (ماده ۱۰۹۵ ق.م.) بطلان ازدواج موقت منعقدشده را به دنبال دارد.

همچنین یکی از موارد بطلان، نکاح با اقارب است که ممنوع و حرام و باطل است؛ بنابراین اگر بعد از عقد ازدواج معلوم شود که رابطه‌ی محرمیت اعم از نسبی، سببی، رضاعی و مصاهره بین زوجین وجود داشته است، موجب بطلان عقد نکاح می‌شود (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۵۰). مواد (۱۰۴۵) تا (۱۰۴۷) قانون مدنی نیز نکاح بین افراد مذکور را ممنوع کرده است.

۲-۲- بطلان عقد و حرمت ازدواج بعدی (ابد یا موقت)

کشف خلاف واقع علاوه بر بطلان عقد نکاح، گاهی موجب حرمت ابدی یا موقت ازدواج بعدی بین زن و مرد می‌شود. این عوامل موانع صحت عقد ازدواج محسوب می‌شوند. وجود این موانع علاوه بر بطلان عقد موجب حرمت ابدی یا موقت ازدواج بعدی می‌شود؛ بنابراین اگر این موانع بعد از انعقاد عقد کشف شوند، موجب حرمت ازدواج بعدی می‌شود. در مجموع، نه مورد را می‌توان در این دسته از عوامل مؤثر در عقد ازدواج، در صورت کشف خلاف واقع قرارداد.

۲-۲-۱- اثبات رابطه‌ی نامشروع جنسی قبل از عقد

پاسخ به نیاز جنسی در چهارچوب موازین شرعی از موهبات و نعمات الهی و موجب سعادت بشر است. از طرف دیگر، وقوع روابط جنسی غیرشرعی، بر اساس حکمت الهی مشمول احکام و قوانینی از جمله بطلان و حرمت ازدواج می‌شود.

الف: احراز زنا: زناى سابق با زوجه‌ی فعلی که شوهردار بوده‌است-گرچه بعد از زنا زن از شوهرش با طلاق جدا شود یا شوهر او فوت کند- و همچنین زناى سابق زوج با زوجه‌ی فعلی معتده‌ی رجعیه، موجب بطلان و حرمت ابد ازدواج می‌شود. گفتنی است، برای ایجاد حرمت فرقی نمی‌کند که مرد در زمان رابطه‌ی نامشروع به شوهردار بودن زن آگاهی داشته باشد یا آگاه نباشد و همچنین تفاوتی ندارد که زن به حرمت این رابطه آگاهی داشته و یا آگاه نباشد. بعضی از فقیهان امامیه این دو مورد را با هم ذکر کرده‌اند زیرا زنی که در ایام عده‌ی رجعی به سر می‌برد، به زن شوهردار ملحق می‌شود و احکام یکسان دارند (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق: ۱۰۷-۱۰۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۵۲).

ادله‌ی فقهی بطلان، روایات (محدث نوری، ج ۱۴: ۳۸۷) و اجماع (کرکی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۳۱۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ج ۷، ص ۱۸۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ص ۱۰۷ و ۴۵۲) است. این حکم شرعی در ماده‌ی (۱۰۵۴) قانون مدنی منعکس شده است.

ب: تحقق لواط (ایقاب): پدیدارشدن روابط جنسی نامشروع زوج با برخی اقوام خاص نسبی مذکر زوجه قبل از عقد نکاح، با تحقق شرایط فقهی، ازدواج منعده‌ی فاعل با برخی از خویشان نسبی مفعول را باطل می‌کند و برای همیشه حرام می‌شود. دلیل اصلی این مورد، روایات معصومین (ع) است. امام صادق (ع) فرمودند: «إِذَا أُوقِبَ حُرْمَتُ عَلِيهِ خْتَه» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۴۴۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ص ۴۱۷) اتفاق فقه‌های امامیه مستند دیگر حکم بطلان است (شریف مرتضی، ج ۱۰، ص ۱۰۷ و ۴۵۲). صاحب جواهر قائل به نقل تواتر اجماع است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۹، ص ۴۴۷). در مورد حکم بطلان، ازدواج نسبت به خویشاوندان رضاعی دیدگاه فقهی واحد وجود ندارد. ماده‌ی (۱۰۵۶) قانون مدنی بازگوکننده‌ی حکم بطلان و حرمت است.

۲-۲-۲- کشف وقوع عقد با معتده یا ذات بعل

در صورت پدیدارشدن انعقاد عقد نکاح به صورت مطلق (علم و جهل به موضوع و حکم) با معتده و ذات بعل، عقد باطل خواهد شد، ولی با علم و آگاهی به حکم و موضوع یا عقد همراه با واقعه، حرمت دائمی بین آن دو را موجب می‌شود (همان: ۴۳). انجام طلاق در طهر واقعه یا ایام

حیض، نبود شهادت عدلین و پیدا شدن شوهر مفقود سابق زن از مصادیق تحقق ذات بعل بودن زن است. آیات ۲۳ و ۲۴ سوره‌ی نساء، روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۵۰) اجماع (همان) و ضروریات دین اسلام مبانی استنباطی حکم است. مواد (۱۰۵۰) و (۱۰۵۱) قانون مدنی حرمت همیشگی ازدواج بین آن دو را بیان کرده است. همچنین علاوه بر تعریف عده، مواد (۱۱۵۰) تا (۱۱۵۷) قانون مدنی به موضوع عده اختصاص یافته است.

۲-۲-۳- آگاهی از وقوع عقد هنگام احرام عاقد یا زوجین

اطلاع از انعقاد عقد ازدواج دائم یا موقت در حالت احرام به طور مطلق، عقد ازدواج را باطل می‌کند و با آگاهی به حرمت، حرمت ابد را ایجاد می‌کند. ماده (۱۰۵۳) قانون مدنی مشابه حکم فقهای امامیه این حرمت را مطلقاً ذکر کرده است.

۲-۲-۴- کشف لعان سابق

لعان عبارت از این است که مرد با رعایت تشریفات خاص و در برابر حاکم به زن خود نسبت زنا دهد یا نسب فرزند خود را انکار کند. اجرای لعان نه تنها نکاح بین زن و مرد را منحل می‌کند، بین آنها حرمت ابدی ایجاد خواهد کرد. بر این اساس اگر پس از انعقاد عقد نکاح کشف شود که قبلاً بین این زن و مرد مراسم لعان اجرا شده است، عقد بین آنها باطل می‌شود. آیات ۶ تا ۹ سوره‌ی نور از مبانی بطلان عقد نکاح است. در ماده‌ی (۱۰۵۲) قانون مدنی از واژه‌ی تفریق استفاده شده است و به موجب این قانون نکاح آن دو بعد از لعان، باطل و موجب حرمت ابدی است.

۲-۲-۵- کشف برخی از روابط خویشاوندی بین دو زوج

ازدواج با دو خواهر در یک زمان - چه دائم و چه موقت، هر چند رضاعی باشند - حرام است (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۲۶۵). بر این اساس، نمایان شدن رابطه‌ی خواهری میان دو زوج‌هی فعلی مرد، موجب بطلان عقد ازدواج و حرمت موقت می‌شود، زیرا هم‌زمانی دو زوج‌هی خواهر بر مرد حرام است و با خروج یک خواهر از علقه‌ی زوجیت به هر دلیل (فسخ، بطلان، فوت، طلاق و ...) مانع ازدواج برطرف می‌شود. این حرمت بر اساس آیه ۲۳ سوره‌ی نساء «و ان تجمعوا بین الاختین نکاح» است. این حرمت در ماده (۱۰۴۸) قانون مدنی نیز آمده است. ثبت واقعه‌ی ازدواج می‌تواند جلوی ارتکاب این نوع از ازدواج حرام را بگیرد. به همین خاطر چنانچه مرد ازدواج دائم را ثبت نکند، بر اساس ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مرد ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه‌ی پنچ و یا حبس تعزیری درجه‌ی هفت محکوم می‌شود.

۲-۲-۶-تحقق استیفاء عدد

بر اساس ادله‌ی فقهی^۱ بر مرد بیش از چهار همسر حرام است. بر این اساس، اگر مردی که چهار همسر دارد، یکی از همسران را طلاق دهد و با زن دیگری عقد نکاح منعقد کنند و بعداً معلوم شود که طلاق باطل بوده است، در این صورت عقد زن جدید به‌عنوان زن پنجم باطل خواهد شد؛ بنابراین آشکار شدن خلاف واقع کامل شدن چهار زوج در عقد دائم ازدواج به علت گوناگون مانند باطل بودن طلاق یکی از زن‌ها و غیره عقد ازدواج را باطل می‌کند و حرمت موقت با زن پنجم ایجاد می‌کند (همان: ۱۱۳) و با انحلال یکی از چهار ازدواج سابق به هر دلیلی (فوت، فسخ، طلاق) حرمت ازدواج با فرد پنجم برداشته می‌شود. این مورد در قوانین موضوعه به‌وضوح ذکر نشده، ولی در صورت کشف چنین واقعیتی باوجود نص صریح قرآن، وحدت فتوایی فقها، تأسی قانون از فقه امامیه و محدود کردن ازدواج دوم برای مرد و لزوم اخذ اجازه از دادگاه برای این کار و اختیار کردن بیش از چهار زن غیرشرعی و غیرقانونی خواهد بود و عقد نکاح صحیح نیست (امامی و صفایی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۱۱۰).

۲-۲-۷-احراز ارتداد زوجین

ارتداد مانع ازدواج مسلمان با مرتد می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۰، ص ۴۷)؛ بنابراین هرگاه بعد از عقد ازدواج معلوم شود یکی از زوجین یا هر دو از اسلام خارج و کافر شده‌اند، ازدواج منحل می‌شود. حکم متأثر از نوع ارتداد، ارتداد - ارتداد زوج یا زوجه - زمان ارتداد (قبل یا بعد از آمیزش) است. با کشف ارتداد قبل از آمیزش، نکاح فوراً پایان یافته و منحل می‌شود. ارتداد بعد از آمیزش زوجه از هر نوع ارتدادی (فطری یا ملی) و ارتداد ملی زوج، سبب بطلان نکاح است؛ لکن جدایی بین آنها متوقف بر پایان عده و توبه نکردن است و با توبه نکاح آن دو ادامه می‌یابد (همان: ۴۹)؛ بنابراین در ارتداد فطری زن برای همیشه از مرد مرتد جدا می‌شود و امکان ازدواج مجدد را با همسر سابقش ندارد، مگر بنابر قول کسانی که توبه‌ی مرتد فطری را نیز صحیح می‌دانند که در این صورت برای ازدواج با همسر سابقش نیاز به عقد جدید دارد، (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۷۲). در قانون مجازات اسلامی، ارتداد جرم است. قانون مدنی نیز در خصوص ارتداد زوجین ساکت است. باین‌حال، در این موارد بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، طبق نظر مشهور امامیه عمل می‌شود.

۱. نساء: ۳، روایات و اجماع.

۲-۲-۸- احراز تغایر دینی زوجین

بر اساس ادله‌ی قطعی (مومنون، ۷) ازدواج با کافران و مشرکان ممنوع است (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۲۵۴). بر این اساس نکاح زن مسلمان با غیرمسلمان از نظر همه‌ی فقه‌های مذاهب اسلامی ممنوع و حرام و باطل است. به دنبال احراز غیرمسلمان بودن مرد، عقد نکاح منحل می‌شود و زن نمی‌تواند به زندگی زناشویی با مرد کافر ادامه دهد، ولی انحلال عقد منوط به انقضای عده‌ی زن (عده‌ی طلاق) است و با اسلام آوردن شوهر، نکاح باقی می‌ماند. درغیراین-صورت نکاح از همان لحظه‌ی کشف منحل بوده است. آیات قرآن و روایات وارده از ائمه معصومین - علیهم‌السلام - و اجماع در اصل (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۴، ص ۵۲) مستندات این حکم است. قانون مدنی ایران در ماده (۱۰۵۹) تصریح می‌کند: «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست». بر اساس این ماده، نکاح زن مسلمان با مرد غیرمسلمان مطلقاً جایز نیست (همان).

مطابق فقه و قوانین حقوقی، اگر زوجه کافر غیرکتابی باشد، در کشف غیرمسلمان بودن وی نکاح مطلقاً (دائم و منقطع) باطل می‌شود. در مورد اهل کتاب بودن زوجه، فقیهان در بطلان و نوع ازدواج واقع شده رویه‌ی یکسان ندارند؛ گرچه مشهور قائل به بطلان ازدواج دائم است. باین‌حال، برخی از فقه‌های متأخر نکاح دائم با کتابیه را جایز می‌دانند (خویی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۷۰). نظر صریح قانون در مورد آشکار شدن غیر مسلمه بودن زوجه وجود ندارد.

۲-۲-۹- وقوع تعدد طلاق

بر اساس نصوص فقهی (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۲، صص ۱۲۸ و ۱۲۹) و حقوقی (مواد ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸ ق.م.) کشف عقد ازدواج در پی وقوع سه طلاق و نه طلاق موجب بطلان ازدواج و حرمت بین زن و مرد می‌شود. همچنین وقوع سه طلاق، به حرمت موقت ازدواج منجر می‌شود. این حرمت از این جهت موقت است که در صورت تمایل زن و مرد برای انعقاد عقد ازدواج در دفعه‌ی چهارم و هفتم باید قبل از آن زن به عقد مرد دیگری (محلل) درآید و پس از طلاق، می‌توانند مجدداً ازدواج کنند. طلاق رجعی و رجوع در ایام عده از شرایط تحقق حرمت موقت بعد از سه طلاق و حرمت دائم بعد از نه طلاق است. البته در عصر حاضر تحقق چنین خلاف واقعی و حکم مترتب بر آن نادر است، اما کشف ازدواج در پی طلاق نهم باوجود دو محلل در سابق، به حرمت همیشگی ازدواج مرد با زن منجر می‌شود. در این حکم اختلافی نیست. همچنین ماده (۱۰۵۸) قانون مدنی حکم مذکور را تصریح می‌کند.

۲-۳- فسخ عقد ازدواج

آشکار شدن تدلیس (اعم از سکوت آگاهانه، کتمان، تظاهر و اخبار به کذب)؛ وجود عیوب خاص جنسی و عقلی در مرد و زن و تخلف شرط وصف، برای متضرر حق فسخ ایجاد می‌کند. مبنای فقهی- حقوقی حق فسخ روایات و قواعد فقهی لاضرر و لاجرح هستند. مواد (۱۱۲۰) تا (۱۱۳۲) قانون مدنی به موارد امکان فسخ اشاره می‌کند.

۲-۴- اجبار به انجام تعهد

یکی از ضمانت‌های اجرا در خصوص کسانی که از انجام تعهد و تکالیف خودداری می‌کنند، الزام و اجبار آنان به انجام تعهد و وظیفه و تکلیف است. این روش تضمین اجرا تعهدات، در خصوص کشف خلاف واقع در امر ازدواج نیز صادق است که در موارد زیر بکار گرفته می‌شود.

۲-۴-۱- کشف خلاف واقع نسبت به انجام تکالیف و وظایف فقهی-حقوقی زوجین

با انعقاد نکاح هر یک از زوجین عهده‌دار تکالیف و برخوردار از حقوق و وظایفی می‌شوند. حسن معاشرت با یکدیگر، معاضدت در تشییع مبنای خانواده و تربیت فرزندان، ریاست مرد بر خانواده، نفقه‌ی زن و فرزندان، انتخاب شغل بر اساس مصالح خانوادگی و حیثیات خود و دیگری و اختیار اقامتگاه واحد (مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۱۹ ق.م) و وفاداری (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ج ۱، صص ۱۳۴ و ۱۹۷) در زمره‌ی تکالیف قرار دارد و بر اساس تکالیف، حقوقی متقابل برای هر یک از زوجین ایجاد می‌شود. پدیدار شدن کشف خلاف واقع نسبت به انجام دادن تکالیف و تزییع حقوق بدون عذر موجه فقهی- قانونی-عرفی، احکام و آثار فقهی- حقوقی دارد. فقه و قانون متخلف را به انجام تعهد اجبار می‌کند. شاید در مقام عمل توسل به این شیوه در حفظ و احیاء کانون خانواده خیلی اثرگذار نباشد، ولی استفاده از این ضمانت اجرا قبل از طلاق با توجه به شرایط زوجین و مقتضیات زمانی و مکانی توصیه می‌شود. در صورت ممکن نبودن اجبار، طلاق برای مرد و تقاضای طلاق برای زن بنا بر قوانین موردی و قانون عسروجرح محفوظ است.

۲-۴-۲- آگاهی بعد از ازدواج نسبت به تخلف از شرط فعل و نتیجه

بر اساس اصل حاکمیت اراده بر قراردادهای، طرفین عقد و قرارداد می‌توانند مطابق قوانین شروطی را تعیین کنند. شرط فعل آن است که اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. شرط نتیجه نیز آن است که تحقق امری در خارج شرط شود (ماده ۲۳۴ ق.م)؛ برای مثال ممکن است در عقد ازدواج شرط شده باشد، یکی از طرفین کاری را انجام دهد؛ همانند اینکه زوجه سکونت در مکان و شهر معینی را شرط کرده باشد و یا شرط کنند که زن در

مواردی و کالت در طلاق داشته باشد، یا مرد و کالت داشته باشد که اموال زن را اداره کند. در این موارد تخلف از شرط، حق فسخ را برای مشروطه به وجود می‌آورد؛ بنابراین در تخلف از شرط فعل و نتیجه باوجود توانایی زوج یا زوجهی متخلف، آنها به انجام عمل یا ترک عمل مشروط مجبور می‌شوند و نپذیرفتن تعهد، آثاری به دنبال دارد و متخلف از برخی حقوق و امتیازات محروم می‌شود. شرط زوجه برای سکونت در مکان معین و تخلف زوج از شرط، موجب سقوط نفقه‌ی زن به دلیل عدم تمکین نمی‌شود. آثار آن در حضانت فرزندان، محرومیت از همزیستی با فرزندان و غیره نمود پیدا می‌کند.

۲-۵- ادامه‌ی زندگی

در مواردی که عقد ازدواج باطل نمی‌شود، ولی حق فسخ ایجاد می‌شود، زوجین می‌توانند علی‌رغم وقوع خلاف واقع به زندگی مشترک خود ادامه دهند و هیچ مانع فقهی و حقوقی برای ادامه‌ی زندگی آنها وجود ندارد، اما در مواردی محبت، علاقه و نشاط از منظومه‌ی خانوادگی رخت برمی‌بندد.

۲-۶- تفکیک اقامتگاه

بر اساس آیه‌ی شریفه «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹) زوجین مکلف به سکونت در مسکن مشترک هستند. از طرفی، سکونت مشترک زوجین تکلیف و حق متقابل زوجین است. تعیین منزل مشترک ابتداءً (بدون شرط خاص و بدون عذر) با زوج است و مرد باید زوجه را در منزل مشترک پذیرش کند و زوجه هم باید تمکین کند، ولی دلیل موجه، مجوز ترک تکالیف و حقوق متقابل است. هرگاه بعد از ازدواج زوجه متوجه ضرر جسمی یا مالی یا شرافتی از ناحیه‌ی زوج با سکونت مشترک شود، می‌تواند مسکن مشترک را ترک کند و قانون از وی حمایت می‌کند و به بازگشت به اقامتگاه مشترک ملزم نمی‌شود (ماده ۱۱۱۵ ق.م.) و درعین حال از حقوق خود مانند نفقه محروم نمی‌شود. تعالیم دینی و ادله‌ی عقلی از قبیل وجوب حفظ جان، دفع ضرر احتمالی، تکلیف متناسب با طاقت نیز در صورت نبود مستند فقهی و قانونی، ترک منزل را ضروری می‌سازد. در حقیقت به موجب قاعده‌ی لاضرر زن می‌تواند در آن منزل سکونت نداشته باشد (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۳۱۱). البته به لحاظ قانونی زن اختیار کامل انتخاب مسکن را ندارد و در ابتدا با تراضی زوجین و خویشان آنها و نظر دادگاه محل سکونت زن تعیین می‌شود (مواد ۱۱۱۴ تا ۱۱۱۶ ق.م.). امکان وقوع این خلاف واقع در مورد زوج هم وجود دارد.

۲-۷- جبران خسارت

در مواردی از پدیداری خلاف واقع در ازدواج از شخص متضرر به گونه‌های مختلف حمایت می‌شود؛ برای مثال در خلاف واقع ناشی از تدلیس: صرف‌نظر از حرمت تدلیس و اعمال حق فسخ، زیان دیده حق رجوع به مُدلیس را برای جبران خسارت مادی و معنوی دارد (عاملی جبعی، ۱۴۰۳: ۵، ص ۳۹۷؛ میرزای قمی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۷۳). درباره‌ی چگونگی پرداخت خسارت فسخ عقد نکاح در اثر تدلیس، آرا و اقوال گوناگونی مطرح شده است (انصاری، ۱۴۱۶: ق ۳۹۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، صص ۸۵۵-۸۵۴؛ کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، صص ۳۰۳-۳۰۵؛ امامی و صفایی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۲۴۹). شماری از فقها، تدلیس را مستوجب تعزیر نیز دانسته‌اند (موسوعه فقهیه، ۱۴۰۷: ج ۱۱).

تدلیس در ازدواج یا نسبت به عیوبی است که موجب ثبوت خیار می‌شوند، مانند دیوانگی، نابینایی و عنن یا نسبت به دیگر کاستی‌ها مانند یک‌چشم بودن یا ناقص بودن بعضی اعضای بدن و یا نسبت به صفات کمال است؛ مانند زیبایی، حسب و نسب عالی و دوشیزه بودن که زن یا شوهر فاقد آنها خود را بدان متصف کند.

ثبوت خیار فسخ در فرض اول - که در متن فوق گفته شد - از آثار عیب است نه تدلیس، لیکن حرمت تدلیس و استحقاق کیفر بر آن از آثار تدلیس به شمار می‌روند. در این فرض با تحقق دخول، اگر تدلیس کننده غیر زوجه باشد، شوهر بعد از فسخ عقد - در صورتی که با همسرش نزدیکی کرده باشد - باید تمام مهر را به زن بپردازد، لیکن می‌تواند آن را از تدلیس کننده بگیرد، ولی اگر تدلیس کننده خود زوجه باشد مستحق مهر نخواهد بود (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۲، صص ۲۹۶ و ۲۹۵؛ سبزواری، ۱۳۸۸: ج ۲۵، صص ۱۳۵-۱۳۲). این حکم به موجب ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی قطعی است.

۲-۸- تقاضای زوجه برای طلاق

در صورت کشف خلاف واقع، زوجه می‌تواند درخواست طلاق کند.

۲-۸-۱- وجود عسر و حرج برای زوجه در زندگی مشترک

در صورت احراز و اثبات عسر و حرج برای زوجه حسب موارد مختلف، زن می‌تواند تقاضای طلاق کند و دادگاه نیز می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورت ممکن نبودن اجبار، زوجه با اجازه‌ی دادگاه طلاق داده می‌شود. کشف اعتیاد زوج که مخل اساس خانواده‌گی باشد، محکومیت قطعی زوج به حبس ۵ سال، ضرب و شتم و سوء رفتار تحمل‌ناپذیر از لحاظ عرفی، ابتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا مسری مختل‌کننده‌ی زندگی مشترک و غیره از مصادیق موجه و قانونی عسر و حرج منطوق ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی است.

۲-۸-۲- کشف خلاف شرایط مندرج در عقدنامه‌ی رسمی ازدواج

در صورت امضاء شرایط مندرج در عقدنامه‌ی رسمی ازدواج و کشف خلاف شرایط مذکور، حق قانونی طلاق به شکل وکالت یا توکیل برای زن پذیرفته شده است. کشف محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر، محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و اجرای هرگونه مجازات مغایر با حیثیت خانوادگی زوجه اعم از حد و تعزیر، آگاهی زوجه به وجود زن دیگر در زندگی زوج، آگاهی به اجرا نشدن عدالت بین همسران مرد نمونه‌هایی از آن است.

۲-۹-۲- عقد غیر نافذ

وقوع خلاف واقع در مواردی که عمدتاً اجازه و رضایت حین انعقاد ازدواج منتفی باشد، موجب بطلان ازدواج نیست، ولی عقد ازدواج غیر نافذ و فاقد اثر است، زیرا اجازه، شرط نفوذ و تأثیر عقد ازدواج است (ماده ۱۰۷۰ ق.م). اکنون به اختصار بیان می‌شود.

۲-۹-۱- نبود رضای زوجین هنگام انعقاد ازدواج

آشکار شدن نبود رضایت به انعقاد ازدواج حین عقد در اثر فشار مادی یا معنوی نامشروع بر هریک از زوجین موجب غیر نافذ شدن عقد ازدواج می‌شود، زیرا رضایت در نکاح - مانند سایر عقود - شرط نفوذ عقد است. قانون‌گذار در ماده (۱۰۷۰) قانون مدنی مقرر می‌دارد «رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد».

۲-۹-۲- وجود رابطه‌ی برادرزادگی یا خواهرزادگی بین دو زوج

کشف ازدواج مرد با خواهرزاده و برادرزاده‌ی زن فعلی - از دیدگاه فقه - موجب عدم نفوذ عقد نکاح است؛ هر چند فقها در این باره آراء متفاوتی دارند و تشتت دیدگاه آنها ناشی از اختلاف روایات است (عاملی جبعی، ۱۴۰۳ ق: ج ۷، ص ۲۸۹). قول حرمت مطلق ازدواج و قول به تفصیل با دو شرط وارد شدن خواهرزاده و برادرزاده بر خاله و عمه و نبود رضایت از آن جمله است (حلی، ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ص ۲۸۸) که برگرفته از روایات حضرات معصومین (ع) است. در حقوق نیز طبق ماده‌ی (۱۰۴۹) قانون مدنی این عقد غیر نافذ است. ماده (۱۰۴۹) مقرر می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد، مگر با اجازه‌ی زن خود».

۲-۹-۳- تعدی وکیل از محدوده‌ی وکالت، نوع وکالت و رعایت نکردن مصلحت متعارف موکل هرگاه بعد از عقد نکاح روشن شود که وکیل از محدوده‌ی اختیارات خود و نوع وکالت فراتر عمل کرده است، (در اموری چون شخص، مهریه، سن و غیره): صحت عقد بر اساس ماده (۱۰۷۳) قانون مدنی منوط به تأیید موکل است و تمام آثار عقد از لحظه‌ی انعقاد واقع می‌شود. همچنین اگر بعد از عقد نکاح آشکار شود که وکیل، موکله را به ازدواج خود درآورده - درحالی‌که وکالت از نوع مطلق بوده و به‌صورت عام و تصریح ازدواج با موکله نبوده است - نکاح واقع شده مطابق ماده (۱۰۷۲) قانون مدنی، فضولی و غیر نافذ است. همچنین چنانچه مصلحت عرفی موکل در زمینه‌های مالی و غیرمالی رعایت نشود، عقد منعقدشده غیر نافذ است. ماده (۱۰۷۴) قانون مدنی این مورد را تقریر کرده است.

۲-۹-۴- نبود اجازه‌ی ولی یا جد پدری در عقد ازدواج دوشیزه

در مورد عقد ازدواج دوشیزه بدون اجازه‌ی ولی یا جد پدری، فقها مبانی و نظرات مختلف بیان کرده‌اند که از طرح آن اجتناب می‌شود. در قانون مدنی، نبود اجازه‌ی ولی هنگام عقد ازدواج دوشیزه (با وصف دوشیزگی)، موجب عدم نفوذ عقد می‌شود. ماده (۱۰۴۳) قانون مدنی به آن تصریح دارد.

۲-۱۰- حق ابطال نکاح

در برخی موارد حکم عدم نفوذ عقد در خلاف واقع از قبیل عقد دوشیزه بدون اذن ولی برای ولی و نبود رضایت وکیل به تعدی موکل در ازدواج برای ولی نسبت به دوشیزه (با وصف دوشیزگی) و وکیل حق ابطال نکاح در نظر گرفته شده است. رأی وحدت رویه‌ی هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۶۳/۳/۲۹ تصریح می‌کند که اگر ولی عقد را تنفیذ نکند، ابطال نکاح امکان‌پذیر است (امامی و صفایی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۹۷). اگر بین زوجین موافقه ایجادشده باشد، ولایت پدر و جد پدری ساقط می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد، بنابر ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی آگاهی از وقوع ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی، غیرنافذ است و دولت حق ابطال آن را دارد.

۲-۱۱- مجازات (حبس، جریمه‌ی نقدی، شلاق، اعدام)

وقوف به مواردی بعد از ازدواج - علاوه بر آثار حقوقی پیش‌گفته - مستوجب مجازات خواهد بود.

۲-۱۱-۱- کشف انعقاد آگاهانه‌ی عقد ازدواج با معتده یا زن شوهردار

در قانون مدنی و مجازات اسلامی آثار و پیامدهای حقوقی و کیفری ازدواج با زن شوهردار و معتده باهم ذکر شده و همسان است. ماده (۶۴۴) قانون مجازات اسلامی برای عالم به حکم یا موضوع ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار بدون موافقه، مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی تعیین شده است و از حیث مجازات فرقی بین مرد و زن لحاظ نشده است.

اگر زوجین یا یکی از آن دو عاقد و دفتردار ازدواج هم باشند، بر اساس مواد (۶۴۳) و (۶۴۴) قانون مجازات اسلامی به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

۲-۱۱-۲- حکم احراز خلاف واقع نسبت به تغایر دینی مذهبی زوجین

خلاف واقع دینی یا مذهبی زوج یا زوجه که در قسمت بطلان آورده شد، اگر همراه با اهانت به مقدسات مذهبی باشد، مجازاتی در چهارچوب قانون مجازات اسلامی به دنبال دارد. ماده (۵۱۳) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد»، در صورت ارتداد فطری شوهر بعد از عقد نکاح و بعد موافقه، امکان فقهی توبه و پشیمانی وجود ندارد و مرتد فطری کشته می‌شود.

۲-۱۱-۳- کشف خلاف واقع نسبت به سن زوجه در عقد ازدواج

کشف خلاف واقع نسبت به سن زوجه در عقد ازدواج در ماده (۶۴۶) قانون مجازات اسلامی تعیین تکلیف شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده‌ی ۱۰۱۴ قانون مدنی و تبصره‌ی آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد».

۲-۱۱-۴- کشف خلاف واقع در مورد فریب و ادعای کذب

چنانچه هر یک از زوجین در انعقاد عقد ازدواج نسبت به امور تحصیلی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و غیره مرتکب خلاف واقع شود، به لحاظ نص صریح ماده (۶۴۷) قانون مجازات اسلامی مشمول محکومیت حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال خواهد شد. مجازات حبس ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی شامل خلاف واقع به همراه جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی می‌شود.

همچنین اگر توسل به خلاف واقع همراه با جعل، غصب عناوین و مشاغل باشد، ماده (۵۵۵) قانون مجازات اسلامی مجازات آن را حبس اعلام کرده است. تشکیل جمعیت و دسته و اداره‌ی آن با هدف برهم زدن امنیت کشور که محارب شناخته نشود، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود که مجازات تعیینی ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی است.

کشف خلاف واقع در مورد ادعای کذب تنگدستی در پرداخت نفقه‌ی همسر و فرزندان، مشمول مجازات حبس سه ماه و یک روز تا پنج ماه مقرر در ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

۲-۱۱-۵- نبود اجازه‌ی دولت برای ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی

با آشکار شدن نبود اجازه‌ی دولت برای ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی نظر به ماده (۱۷) قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ ش، هر خارجی که بدون اجازه‌ی دولت با زن ایرانی ازدواج کند، به حبس جنبه‌ای از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد. بر اساس مقررات، در صورت معاونت زن در جرم، وی نیز مجازات خواهد شد.

۲-۱۱-۶- عدم ثبت واقعه نکاح

ثبت نکاح در دفاتر اسناد رسمی وسیله‌ی اثبات تعهد است و عقد را تسجیل می‌کند. ثبت نمودن امر ازدواج و همچنین ثبت نمودن عقد موقت در برخی موارد؛ همچون باردار شدن زوجه، توافق کردن طرفین و وجود شرط ضمن عقد مبنی بر ثبت رسمی عقد و ازدواج موقت، الزامی می‌باشد و ثبت نکردن آن جرم تلقی می‌شود. ماده ۲۰ قانون حمایت خانواده مقرر می‌دارد: «ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است». همچنین در ماده ۴۹ همین قانون، در صورتی که آشکار شود عقد ازدواج ثبت نشده است، برای جرم ثبت نکردن واقعه ازدواج مجازات مشخص تعیین شده است. ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده در خصوص مجازات جرم عدم ثبت واقعه ازدواج اینگونه مقرر می‌دارد: «اگر زوج بدون ثبت نمودن در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح نماید یا پس از رجوع ظرف مدت یک ماه آن را ثبت ننماید یا در مواردی که برای ثبت واقعه ازدواج موقت الزام وجود دارد، از آن خودداری نماید، علاوه بر ملزم شدن به ثبت رسمی عقد، به حبس تعزیری با درجه ۷ و همچنین پرداخت جریمه نقدی با درجه ۵ محکوم خواهد شد.»

بر طبق این مقرر قانونی، مردی که از ثبت ازدواج دائم یا ازدواج موقت در موارد الزامی خودداری کند به موارد زیر محکوم می‌شود: ۱- الزام به ثبت ازدواج؛ ۲- جزای نقدی درجه پنج (از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال) یا حبس تعزیری درجه هفت (از ۹۱ روز تا شش ماه)

۲-۱۲- اجرای حدود الهی

احراز خلاف واقع بعد از ازدواج که همراه با وقوع جرم و جنایت باشد، به آبرو و حیثیت خانوادگی آسیب وارد می‌کند و اجرای حدود، قطعی است و امکان عفو و گذشت وجود ندارد؛ برای مثال در مورد روابط نامشروع جنسی زنا و لواط با تحقق شرایط فقهی و قانونی، علاوه بر احکام مذکور بطلان ازدواج، مستوجب و اجرای حدود الهی می‌شود. همچنین اگر زوج یا زوجه‌ی متخلف، محارب و مفسد فی‌الأرض تشخیص داده شوند، بر اساس مواد (۱۹۰) و (۱۹۱) قانون مجازات اسلامی حد محارب اجرا می‌شود.

۲-۱۳- ممنوعیت ادامه‌ی اشتغال

در برخی موارد کشف خلاف واقع از نظر حقوقی و در جهت مصالح اجتماعی موجب ممنوعیت از اشتغال خواهد شد.

۲-۱۳-۱- کشف خلاف در عدم رعایت قوانین توسط عاقد و سردفتردار ازدواج و طلاق

اگر بعد از عقد مشخص شود، زن شوهر داشته و یا در عده‌ی دیگری بوده است، عقد باطل خواهد بود. با این حال، اگر کسی با علم و آگاهی از شوهردار بودن یا معتد بودن این عقد را منعقد کند، اعم از اینکه یکی از زن و مرد باشد یا عاقد و یا دفتردار ازدواج و طلاق، حسب مورد به مجازات حبس، شلاق و جریمه‌ی نقدی مقرر در مواد (۶۴۳) و (۶۴۴) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد و سردفتر هم برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد شد.

۲-۱۳-۲- کشف شغل برخلاف مصالح خانوادگی و شئون زوجین

کشف مغایرت شغل زوج (ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳) یا زوجه (ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳؛ ماده ۱۱۱۷ ق.م) با مصالح خانوادگی و حیثیات و شئون خود زوج یا زوجه یا دیگری با اثبات در دادگاه موجب منع قانونی از ادامه‌ی شغل زوج می‌شود منوط به اینکه در صورتی که اختلال در امر معیشت خانواده یا زوجه ایجاد نشود.

۲-۱۳-۳- وقوف به ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با بیگانگان

به موجب قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه مصوب دی‌ماه ۱۳۴۵، ازدواج کارمندان این وزارتخانه با اتباع بیگانه و یا کسانی که قبلاً در اثر ازدواج به تابعیت ایران درآمده‌اند، ممنوع شده است. این ممنوعیت تنها به دلیل مصالح سیاسی و مملکتی است. هر زمان بعد از عقد نکاح معلوم شود که زوج یا زوجه کارمند وزارت امور خارجه است و بدون کسب

اجازه از دولت با فرد بیگانه پیوند ازدواج برقرار کرده است، به دلیل خطرات و زیان‌های احتمالی امنیتی و اطلاعاتی برای کشور، طبق بند آخر ماده واحد مصوب ۱۳۴۵ از خدمت منفصل می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

کشف خلاف واقع در عقد ازدواج، احکام و آثار فقهی و حقوقی متعددی دارد که شناخت آنها علاوه بر افراد در آستانه‌ی ازدواج و بعد از آن، برای سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و نظام قضایی اهمیت بسیاری دارد. احکام فقهی-حقوقی کشف خلاف واقع در ازدواج نسبت به اصل انعقاد عقد ازدواج و ...، گستره‌ای از تداوم زندگی تا بطلان عقد ازدواج و حرمت ابدی ازدواج، تفکیک اقامتگاه زوجین، حق ابطال نکاح، انفصال از شغل، مجازات، اجرای حدود و ... را در بردارد.

در صورت نبود شرایط ایجاد و اختصاصی نکاح و کشف آن همچون نبود شروط صحت عقد نکاح، نبود شرایط عامه تکلیف در عاقد، نبود اظهار اراده، اثبات عدم تطابق اراده‌ی باطنی و ظاهری، نبود توالی عرفی ایجاب و قبول، وجود شرط خیار در نکاح دائم، فقد قصد زوجین هنگام انعقاد عقد نکاح، نبود تغایر جنسی، تعلیق عقد نکاح، تعیین نکردن مدت و مهریه در ازدواج موقت و نکاح با اقارب عقد نکاح باطل می‌شود.

برخی از موارد نیز به‌عنوان موانع صحت ازدواج نظیر احراز زنا‌ی در گذشته با زوجه فعلی- درحالی‌که شوهردار بوده است، کشف وقوع عقد با معتده یا زن شوهردار، وقوع عقد هنگام احرام عاقد یا زوجین، کشف لعان سابق، کشف برخی از روابط خویشاوندی بین دو زوجه همچون خواهری، تحقق استیفا عدد در تعداد زوجات، احراز ارتداد زوجین، احراز تغایر دینی زوجین و وقوع تعدد طلاق سه طلاق و نه طلاق موجب بطلان عقد و حرمت ازدواج بعدی به‌صورت ابدی یا موقت می‌شوند. در صورت آشکار شدن تدلیس، وجود عیوب خاص جنسی و عقلی در مرد و زن و تخلف شرط وصف، عقد نکاح فسخ خواهد شد. همچنین، کشف خلاف واقع نسبت به انجام تکالیف و وظایف فقهی-حقوقی زوجین و آگاهی بعد از ازدواج نسبت به تخلف از شرط فعل و نتیجه موجب الزام و اجبار به انجام تعهد از سوی مستنکف خواهد شد.

در مواردی که عقد ازدواج باطل نشود و زوجین برخلاف حق فسخ به ادامه‌ی زندگی تمایل داشته باشند، می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. همچنین در صورت بروز خسارت، زیان‌دیده حق مطالبه‌ی جبران خسارت و زیان و ضرر وارده را دارد و نیز چنانچه زوجه پی‌برد که حضور در مسکن مشترک برای او خطر و ضرر دارد، زوج موظف به تهیه‌ی مسکن جداگانه برای همسرش است. در برخی از موارد، همچون کشف خلاف واقع و وجود عسرو حرج برای زوجه در زندگی

مشترک - کشف خلاف شرایط مندرج در عقدنامه رسمی ازدواج - زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند. مواردی چون کشف نبود اجازه و رضایت، وجود رابطه‌ی برادرزادگی یا خواهرزادگی بین دو زوجه، تعدی و کیل از محدوده‌ی وکالت موجب عدم نفوذ عقد می‌شود و برای ذی‌نفع حق ابطال نکاح عقد به وجود می‌آید.

کشف خلاف واقع در برخی موارد همچون کشف انعقاد آگاهانه‌ی عقد ازدواج با معتده یا زن شوهردار، احراز خلاف تغایر دینی و مذهبی زوجین، کشف خلاف واقع نسبت به سن زوجه و نبود اجازه‌ی دولت برای ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی و عدم ثبت نکاح اثر کیفری دارد و موجب مجازات (حبس، جریمه‌ی نقدی، شلاق، اعدام) خواهد شد. در برخی موارد کشف خلاف واقع همانند رعایت نشدن قوانین از سوی عاقد و سردفتردار ازدواج و طلاق، کشف شغل برخلاف مصالح خانوادگی و شئون زوجین و یا وقوف ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با بیگانگان از نظر حقوقی و در جهت مصالح اجتماعی موجب ممنوعیت از اشتغال خواهد شد.

در مقایسه‌ی تطبیقی فقه و حقوق، برخی احکام و قوانین خلاف واقع مشترک و پاره‌ای جزء اختصاصات فقه و حقوق موضوعه است. قوانین خلاف واقع سن زوجین، نبود شرایط مرتبط به تابعیت زوجین، ثبت نکردن واقعه‌ی ازدواج و طلاق در زمره‌ی اختصاصات حقوقی است. عواملی همچون جهل و نادانی، اعتماد بیش از حد و بدون مینا، عمد و تقصیر، پای‌بند نبودن به آموزه‌های دینی، اخلاقی، فقهی و قوانین بسط‌ساز وقوع خلاف واقع در امر ازدواج است. شناخت این عوامل و ریشه‌های بروز و وقوع خلاف و تلاش برای پیشگیری از آن با راه‌کارهای فرهنگی، اجتماعی، تقنینی و قضایی اهمیت زیادی دارد. پرهیز از ساده‌انگاری، شتاب‌زدگی و تعجیل ناموجه در انعقاد ازدواج، تلاش برای رسیدن به‌واقع و آگاهی از قوانین و مقررات و اخذ مشاوره‌های به‌هنگام و همچنین گسترش کمی و کیفی آموزش‌های پیش و هنگام عقد و ازدواج و نیز تداوم و استمرار آن در طول دوران زندگی مشترک - که در سال‌های اخیر در حال انجام است - و تصریح و مکتوب کردن توافقات و گفت‌وگوهای التزامی در متن عقد به همراه بینه - به خصوص در مواردی که طرفین ازدواج عرف واحد و مشترکی ندارند - نقش زیادی در پیشگیری و نیز اقدام درست و به‌موقع و کاهش آسیب‌ها دارد.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ قانون حمایت از خانواده.
- ◀ قانون مجازات اسلامی.
- ◀ قانون مدنی.
- ◀ ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ◀ امامی، اسدالله و حسن صفایی، (۱۳۶۹). حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ◀ انصاری، مرتضی بن محمدامین، (۱۴۱۶ ق). شرح ارشاد، قم: چاپ افست قم.
- ◀ بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره، تحقیق/تصحیح: محمدتقی ایروانی - سید عبدالرزاق مقرر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق/تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ◀ حلی، ابن ادريس، (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ حلی، نجم الدین و جعفر بن حسن محقق، (۱۴۱۰ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق/تصحیح: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: اسماعیلیان.
- ◀ موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲). تحریر الوسیله، فتاوی الامام الخمينی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ ق). منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم.
- ◀ سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۳۸۸). مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم: دار التفسیر.
- ◀ شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۱۹ ق). کتاب نکاح، قم: رای پرداز.
- ◀ شریف مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ ق). الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۱۰ ق). العروه الوثقی، بیروت: الدار الاسلامیه.
- ◀ طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ◀ عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۰۳ ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، بیروت: چاپ محمد کلانتر.
- ◀ _____ . مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: المعارف الإسلامیه.

- ◀ فاضل هندی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، تحقیق / تصحیح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ◀ کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). الکافی، تحقیق / تصحیح: پژوهشگران مرکز تحقیقات دار الحدیث، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲). دوره حقوق مدنی خانواده: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ◀ محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۹). حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ موسوعه فقهیه، (۱۴۰۷ ق). کویت: وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه.
- ◀ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، (۱۳۷۱). جامع الشتات، تهران: چاپ مرتضی رضوی.
- ◀ نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ◀ نصرتی، علی، سید ابوالقاسم حسینی زیدی و موسی لثنی، (۱۴۰۰). «ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی»، د ۲۳، ش ۹۱.
- ◀ محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق / تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ◀ مقصودی، سوده، طاهره بازمانده و سید محمد موسوی نسب، (۱۳۹۹). «بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۲، ش ۹۰.